

آرینه

ایران

«**یادداشت رابط‌های زنجانی در شبکه‌های اجتماعی**»

یک نماینده مجلس از بازجویی رابط‌های بلک زنجانی خبر داد که قصد داشتند با فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، افکار عمومی را نسبت به‌وی تغییر دهند.امیرعباس سلطانی عضو کمیته پیگیری پرونده بدهی بلک زنجانی، به تدبیر گفت: «بیشتر رابط‌های بلک زنجانی شناسایی شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند اما او جنبش سراسری راه انداخته است. درواقع برای تیره تیره خودش یک سری افراد را خریده است که از او به‌خصوص در شبکه‌های اجتماعی حمایت و از مسوولان انتقاد می‌کنند» نماینده بروجن با بیان اینکه «این افراد یک یا دوفتر نیستند بلکه تعداد آنان زیاد است» اظهار کرد: «ما نام افراد را به هر هزارک دلیل نمی‌توانیم رسانه‌ای کنیم، چراکه سرخ‌ها را از دست می‌دهیم. تا به امروز نیز افرادی که در دادگاه رفتند و بازجویی شدند را در ترکیه بودند برای ما مهره سوخته هستند اما افرادی که ممکن است سرخ باشند فعلا وارد انتشار نام آنان نمی‌شویم»

اعتراض

یادداشت: «رفران‌دوم بدون برنده، بازنده»؛ مجید تفرشی

پی‌روزی تاریخی و تاریخ‌ساز مخالفان در همه‌پرسی برای گسستن اسکاتلند از بریتانیا، نشان داد که اکثریت مردم آن منطقه، بهبود تدریجی وضع موجود خود را به جدایی کامل از اتحاد با لندن ترجیح دادند. این همه‌پرسی، در مجموع، بازندای هم نداشت و هر دو سو می‌توانند خود را پیروز ماجرا احساس کنند. خرد‌جمعی و آینده‌نگری و دیدگاه کلان و دراز مدت به حفظ منافع مجلس اسکاتلند و مصالح ملی بریتانیا، از طریق راهکارهای دموکراتیک و عاقلانه، برنده اول و آخر این ماجرا بود. از این رو بود که اغلب سیاست‌ورزان ژرف‌نگسر در اتحادیه اروپا و جامعه بین‌المللی نیز از این نتیجه استقبال جدی به عمل آوردند.

دست‌اندر

سر‌مقاله: «جزیره ترس»؛ شروین طاهری

سهرمز پس از همه‌پرسی استقلال اسکاتلند، اگرچه سیاستمداران لندن به متحدانمن پادشاهی‌شان دلخوش داشت‌اند اما اگر به قول انگلیسی‌ها با نگاهی باریک‌بین بین خطوط آنچه را در رسانه‌های جزیره منعکس می‌شود بخوانیم، با بریتانیایی‌مواجه می‌شویم که به‌رغم یکپارچه‌ماندن از سر ترس، در محل گسل‌های تاریخی‌اش از درون ترک برداشته است. با پیروزی نسبتاً قاطع «نه» به جدایی اسکاتلند از انگلیس با حدود ۴۴۰هزار رأی بیشتر نسبت به «آری»، ظاهراً همه‌چیز به روال ۳۰۷ سال گذشته در ملک ملکه الیزابت ادامه خواهد یافت اما در حقیقت هر دوطرف اسکاكت و ائگل (که القاب کهن این دو قوم جزیره‌نشین هستند) ترسیده‌اند و ترس، مادر شکست است.

جمهوری اسلامی

سر‌مقاله: «فرانسه، تعامل با تروریست‌ها و داعیه مبارزه با تروریسم»؛

دستگاه قضایی فرانسه با چراغ‌سبز دولت این کشور اتهامات مربوط به تروریسم ۹تفر از اعضای گروه‌ک تروریستی منافقین را در پی حمله ۱۱ اسال پیش آنها به مراکز سیاسی جمهوری اسلامی ایران بازداشت شده بودند، ملغی اعلام کرد و با مختمونفون این پرونده، بار دیگر نمایش مضحکی از حقوق بشر غربی و ادعای مبارزه با تروریسم به اجرا گذاشت. این نیز از شگفتی‌های دنیای امروز است که دولت‌هایی داعیه مبارزه با تروریسم را دارند و در عین حال از این همه جنایت چشم‌پوشی می‌کنند و نه‌تنها افرادی را که چنین روئند سنگینی از جرم و جنایت در پرونده خود دارند تیره می‌کنند بلکه به‌طور مستمر اجازه می‌دهند آنها در کمیته‌های کنگره، سنا و مجالس ملی آنها حضور فعال داشته باشند و در عین حال مدعی حقوق‌شرو مبارزه با تروریسم هم باشند!

کیتان

سر‌مقاله: «تکفیر مسیحی، خاستگاه داعش»؛ سعدالله زارعی

تکفیر به معنای آنکه گروه‌هایی از پیروان یک دین را به خارج‌یون از آن متهم گردانند و بعد آن را تبدیل به یک جریان فرایگرم مذهبی نمایند، پدیده‌ای مسیحی است تا مسلمانان. استفاده از واژه «خوشونت» به‌عنوان ابزار موثر یکی از ویژگی‌های تکفیری‌هاست. آنان به‌جای بحث و وورد به گفت‌وگو و رسیدن به تفاهم به سلاح متوسل می‌شوند. تروریست‌های تکفیری براساس تفسیر خودبندیان از تعالیم دینی، خویش را بر جان و مال مردم مسلط می‌دانند و بر این اساس می‌گویند وقتی ما در قتل کسی دچار خطا و حتی اسراف دشیم، مقتول به بهشت می‌رود و ما بر حرج نیست چراکه کما دارای نیستن الاهی بودایم. در واقع خون در نزد آنان حرمتی نداشته و انسایت معنا و مفهومی ندارد. زمانی که آمریکای‌ها ژاپنی‌هایی که تسلیم شده بودند را با بمب‌های اتمی مورد حمله قرار داده و صدها هزارنفر از آنان را در شهرهای هیروشیما و ناگازاکی، به قتل رساندند، در برابر این پرسش که چرا به‌جای کمک به تسلیع عام عمومی دست زدیند، پاسخ دادند مرگ مردم ژاپن تضمینی بر پایان جنگ ویرانگر نبودا همین یک ماه پیش داعش با تصرف یک دانشگاه در شمال تکریت ۱۷۰۰ جوان دانشجو را به قتل رساند و زمانی که پرسیدند چرا؟ پاسخ دادند اینها فدای خلافت اسلامی شد و اگر بی‌گناه باشند به بهشت می‌روند! کما اینکه لوتریست‌ها در عین اینکه می‌گفتند دین از سیاست جداست و حق با پادشاه است، در همان حال می‌گفتند هر کس اندیشه لوتر را بپذیرد، سزاول مرگ است! بر اساس آنچه گفته شد، تکفیر هم در تفکر و هم در رفتار اجتماعی ریشه در تاریخ و تحولات اروپا دارد. هیچ‌گاه در جهان اسلام، منطق و رویه تکفیر به یک جریان ماندگار و موثر تبدیل نشده است.

فریبا پژوه: در اتاق کار علی ماجدی همیشه به روی اصحاب رسانه باز است. او از معدود میراث‌داران منش پاسخگویی دولت اصلاحات است و کارنامه کاری‌اش بیش از هر چیز شامل فعالیت‌های او در عرصه مدیریت و مشاورت اقتصادی و دیپلماتیک می‌شود. او دانش آموخته رشته اقتصاد است و در پایان دهه ۱۳۶۰ به‌عنوان دیپلمات در کشورهای امارات متحده عربی، برزیل، کشورهای مشترک‌المنافع و ژاپن فعالیت داشته است. ماجدی پس از انتخاب «پیژن خود» در اولین نقش اروپایی‌ها را در حل مساله هسته‌ای ایران پررنگ کرد. مذاکرات با ژاپن معاونت امور بین‌الملل آغاز کرد و در مذاکرات انرژی با روس‌ها خوش درخشید. علی ماجدی از سال ۸۲ تا سال ۸۴ رییس کارگروه اقتصادی مذاکره‌کنندگان هسته‌ای ایران به ریاست حسن روحانی بود که سرانجام به توافقنامه سعدآباد منجر شد. این روزها قرار است او در مقام یک دیپلمات کهنه‌کار اقتصادی به‌عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران راهی آلمان شود. خبرگزاری رسمی آلمان درباره حضور او در این کشور می‌نویسد: «از علی ماجدی انتظار می‌رود تحرکی تازه به روابط سیاسی و اقتصادی میان ایران و آلمان ببخشد.»به گفته ماجدی دیپلماسی اقتصادی، مکمل دیپلماسی سیاسی است و او قصد دارد در ماموریت خود در برلین نقش اروپایی‌ها را در حل مساله هسته‌ای ایران پررنگ کند. مذاکرات با ترویسکا (آلمان، فرانسه و انگلیس) در دولت اصلاحات نیز سابقه داشت و این سابقه نشان می‌دهد که فعال‌شدن نقش اروپایی‌ها و خروج آنها آن وضعیت انفعال در این پرونده می‌تواند گام مهمی در حل آن باشد. ماجدی می‌گوید هر چند تجربه نشان داده که حل مسایل هسته‌ای بدون موافقت آمریکا ممکن نیست اما همه کشور‌های طرف مذاکره باید نقش فعالی در حل مساله داشته باشند. وی تاکید می‌کند به‌عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در «برلین»، هدف پررنگ کردن نقش آلمان‌ها در مذاکرات هسته‌ای را پیگیری خواهد کرد. گفت‌وگوی معاون پیشین امور بین‌الملل وزارت نفت و سفیر جدید دولت حسن روحانی در آلمان را با «شرق» بخوانید:

مذاکرات هسته‌ای ایران با قدرت‌های جهانی ۵+۱» در «نیویورک» ادامه دارد. در این میان و بیش از آغاز مذاکرات، «اتحادیه اروپا با صدور اعلامیه‌ای از آنچه «روند بسیار کند همکاری ایران و آژانس» خواند، اعلام نامیدی کرد. به نظر شما موافقت دیپلماسی ایران چگونه باید با این موضوع برخورد کند؟

باتوجه به آخرین گزارش «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» مبنی بر اینکه ایران اقدامات دواطلبانه خود را به‌طور کامل اجرا کرده است به‌نظر می‌رسد اینکه اروپایی‌ها بیش از اعلاننظر آژانس، نظر خود را در چنین بیانیه‌ای اعلام کرده‌اند شاید می‌خواهند از این طریق از نقش کمرنگ خود در مذاکرات هسته‌ای با ایران گلایه کنند. این گلایه از تلاش بین‌المللی‌ها برای کهرنگ کردن نقش آنها در مذاکرات هسته‌ای است. اروپایی‌ها در جریان مذاکراتی که ایران و آمریکا و روسیه به‌طور جداگانه با هم داشته‌اند، هستند و من بر این باورم که باید در کنار ادامه اینن مذاکرات و تداوم آنها، مذاکراتی را نیز به صورت جداگانه با سه‌کشور مهم اروپایی (انگلتان، فرانسه و آلمان) داشته باشیم. هرچند سابق نشان داده است که بدون موافقت آمریکا نمی‌توان مسائل را حل کرد اما به هر شکل همه کشورهای مذاکره‌کننده می‌توانند نقش خود را در حل این مساله ایفا کنند. هر سه کشور اروپایی از طریق خاتم‌اشتون به‌عنوان نماینده اروپا مسایل را دنبال می‌کنند اما به‌نظر من باید بهای بیشتری به مذاکرات با تک‌تک این کشورهای اروپایی بدهیم و به نظر می‌رسد که این خواست اروپایی‌ها نیز باشد. بیانیه‌ای که به این شکل صادر و به آژانس نسبت داده می‌شود، شاید کسی انحرافی باشد و مفهوم این بیانیه می‌تواند این باشد که اروپایی‌ها می‌خواهند به طور غیرمستقیم بگویند خواهان سهم بیشتر و نقش پررنگ‌تری در مذاکرات هسته‌ای با ایران هستند.

علی ماجدی، سفیر تهران در «برلین» در گفت‌وگو با «شرق»:

اروپا می‌تواند فشار آمریکا را تعدیل کند



علی ماجدی، سفیر ایران در شرق

برنامه شما به‌عنوان سفیر جدید ایران در آلمان در این رابطه چیست؟

من ملاقاتی با دکتر طریف وزیر امور خارجه داشته‌ام و فکر می‌کنم ایشان نیز به این مساله توجه داشته و به من هم تاکید شده است با آلمانی‌ها در رابطه با افزایش نقش آنها در حل مسایل هسته‌ای در تماس و مذاکره باشیم البته با توجه به اخبار و پوشش رسانه‌ای و توجه بین‌المللی به مذاکرات ایران و آمریکا و به حاشیه‌رفتن نقش اروپا، نقش آمریکایی‌ها در مذاکرات پررنگ‌تر به نظر می‌آید این در حالی است که اروپایی‌ها هم همواره نقش مهمی در مذاکرات هسته‌ای دارند. آقای طریف تاکید داشت من به‌محض ورود به محل ماموریت خود، موضوع هسته‌ای و نقشی که آلمان می‌تواند به سهم خود در حل آن داشته باشد را دنبال کنم. به نظر من در این رابطه نباید تردید داشت.

پیش از ابلاغ ماموریت سفارت در آلمان، سمت معاون ارتباطات امور بین‌الملل وزارت نفت را بر عهده داشتید. گمان می‌کنید دیپلماسی می‌تواند گره‌گشای مشکلات اقتصادی باشد؟

به‌نظر من کار دیپلماسی کشور که مسوولیت اصلی آن برعهده وزارت امور خارجه است، شامل دیپلماسی اقتصادی هم می‌شود و بی‌شک وزارت نفت می‌تواند در دنیای امروز با توجه به جایگاه ایران – به‌عنوان تولیدکننده نفت و گاز از یک سو و شرایط استراتژیک انرژی در جهان از سوی دیگر – نقش مهمی در مسایل دیپلماسی اقتصادی داشته باشد. نقش وزارت نفت در این زمینه می‌تواند از طریق معاونت بین‌الملل فعال شود و این وزارت‌خانه می‌تواند معین دستگاه دیپلماسی کشور باشد. سابقه همکاری این دوتیاد فرصت‌های گرانبهای برای توسعه اقتصادی کشور به وجود می‌آورد و حتی در مواردی از تهدیدهای می‌کاهد. البته من در مسندنی نیستم که بتوانم ارزیابی دقیقی درباره همه وزارت نفت از دولت پیشین داشته باشم اما آرزو می‌کنم نفرات بعدی آهسته‌تر با دانش بیشتر و توانمندتر بتوانند کشور را به سمت پیشرفت هدایت کنند.

یعنی باز پس گرفتن بازارهای ا دست‌رفته نفت ایران هم بخشی از هدف ثانویه مذاکرات هسته‌ای است؟

وظیفه اصلی مدیریت بین‌المللی فروش نفت برعهده شرکت ملی نفت ایران است. اما به هر حال سیاست‌گذاری‌های وزارت نفت و سیاست‌های دیپلماتیک می‌تواند بر افزایش فروش نفت تاثیر داشته باشد. من وارد جزئیات فروش نفت نمی‌شوم اما فکر می‌کنم اقدامات این معاونت تواسط به افزایش فروش نفت کمک کند. امیدوارم افزایش فعالیت این معاونت بتواند به فروش بیشتر نفت منجر شود. در کنار مساله نفت، منافع گاز ایران هم مهم است. در این مدت سعی شد تا مدیریت و مراقبت‌های لازم با کمک خود شرکت ملی صادرات گاز انجام شود. مساله اصلی در این میان میداین مشترک گازی و نفتی با سایر کشور‌هاست. حقیقتا باید بگویم به این میداین به‌طور ویژه و خاص توجه

نشده به‌گونه‌ای که می‌توان گفت در دولت پیشین برنامه مشخصی برای بهره‌برداری از این میداین وجود نداشته است.

برخی خبر‌ها از بهره‌برداری چندبرابری برخی کشورهای حوزه خلیج‌فارس از میداین مشترک نفتی و گازی ایران خبر می‌دهند. این اخبار تا چه حد درست است؟

متأسفانه این اخبار درست است. اما فراتر از بهره‌برداری، در برخی موارد حتی مذاکره و گفت‌وگو با این کشور‌ها هم انجام نشده است. باید یک نگاه جدید در مورد استفاده از میداین مشترک ایجاد شود و این سوال را مطرح کرد که از نظر حقوق بین‌الملل اگر کشوری بدون اطلاع دیگری، از میداین مشترک بهره‌برداری ضایع‌گرد چه راه‌هایی برای به چالش کشیدن آنها در مجامع بین‌المللی وجود دارد. به‌نظر من اینجاست که نقش دیپلماسی اقتصادی به روشنی مشخص می‌شود. من فکر می‌کنم باید در این زمینه با کشور‌هایی که با آنها بیش از ۲۰هزار مشترک نفتی و گازی داریم، گفت‌وگو و مذاکره جدی داشته باشیم. معاونت امور بین‌الملل وزارت نفت می‌تواند نقش جدی در این مذاکرات داشته باشد.

از زمان شروع به کار دولت جدید، تمایل شرکت‌های نفتی خارجی برای همکاری با ایران ققدر بوده است و آیا ایران حاضر به تغییر فرمت‌های قراردادهای نفتی خود هست؟ به‌نظر شما با توجه به شرایط تحریم‌ها این تغییر فرمت می‌تواند در کاهش تحریم‌ها و افزایش فروش نفت تاثیرگذار باشد؟

تحریم‌های بین‌المللی غرب علیه ایران هیچ ارتباطی به فرصت قراردادهای ما ندارد. سوال اینجاست که اگر تحریم‌ها برداشته شود آیا این شرکت‌ها و کشور‌ها به ایران رجوع خواهند کرد؟ به نظر من بله. خیلی از کشور‌ها و شرکت‌های نفتی غربی به دنبال رفع تحریم‌ها علیه ایران هستند. البته آنها قراردادهای سابق را هم جذاب نمی‌دانند؛ مثلاً آنها علاقه‌ای به قراردادهای «بای‌یک» ندارند. ما نیز هنوز قراردادهای جدیدی معرفی نکرده‌ایم. مساله اول این است که تحریم‌ها باید رفع شوند و مساله ثانوی اینکه قراردادهای

باید جذابیت خود را داشته باشند. پس از آن شرکت‌های خارجی می‌توانند با توجه به لغو تحریم‌ها قراردادهای جذاب‌تری را انتخاب کنند. ضمن اینکه مساله مهم برای آنها بازدهی داخلی «present valye» (ارزش فعلی) و معیارهای اقتصادی دیگر است. شرکت‌های نفتی امنیت کشور‌های هدف و آینده آنها را در اولویت اصلی خود قرار می‌دهند. با هر معیاری ایران در حال حاضر از یک ثبات خوب برخوردار است. نکته قابل توجه در مذاکرات اخیر من با آقای الکساندر نوزیک، وزیر انرژی روسیه این بود که آنها ابراز علاقه کردند تا در پروژه‌های گاز و نفت شمال سرمایه‌گذاری کنند، یعنی اگر روسیه تحفظ تحریم‌ها را نداشته باشد به مساله سرمایه‌گذاری در نفت ایران علاقه‌مند هستند. چرا

کشور‌های دیگر و شرکت‌های بین‌المللی دیگر این نگاه و روش روس‌ها را مدنظر قرار ندهند؟

اما شرایط کنونی به‌گونه‌ای است که تا بحث نفت به میان می‌آید همه ناخودآگاه به یاد بلک زنجانی و ماجراهای او می‌افتند.

متأسفانه در بی‌نظمی و ازهم گسیختگی‌ای که در دولت گذشته در وزارت نفت به‌وجود آمد هیچ تردیدی وجود ندارد. در دولت پیشین ما شاهد یک افت شدید مدیریتی در این وزارت‌خانه بودیم که عدم به‌کارگیری نیروهای متخصص در وزارت نفت یکی از جلوه‌های آن بود. نیروهای انسانی کارآزموده یا به‌انرا رفتند یا جذب بخش خصوصی شدند یا کشور را ترک کردند. وقتی سیستم مساله‌دار باشد و بدون نظارت عمل کند افراد ناسالم، زمینه و فرصت رشد پیدا می‌کنند و در سیستم نفوذ می‌کنند. ظهور امثال بلک زنجانی و آنچه پیرامون او در وضعیت نفت کشور به وجود آمد خلق‌الساعه نبود. امثال زنجانی محصول یک نوع شیوه مدیریتی غلط هستند و این شیوه‌های مدیریتی هستند که این اقبال را در خود می‌پروراند. به نظر من پیش از اینکه درباره بلک زنجانی و مسایل پیرامون پرونده او سخن بگویم باید این سوال مطرح شود که در دولت گذشته چه شیوه مدیریتی اعمال شد که امثال بلک زنجانی را به خود جذب کرد و در خود پرورش داد.

اگر موافقتی به بحث نقش آلمان به‌عنوان یکی از طرف‌های مذاکرات هسته‌ای برگردیم، برلین تا چه حد می‌تواند در به‌تجربه‌رسیدن مذاکرات موثر باشد؟

آلمان از کشور‌های مهم اروپایی به لحاظ تاثیرگذاری سیاسی و اقتصادی است. من نیز در ماموریت خود سعی می‌کنم معین و کمک‌کننده به مذاکرات هسته‌ای ایران باشم اما به هر حال باید توجه داشت که استفاده از ابزار تحریم در دنیای امروز و به‌اراز بازار امروز در دنیا ابزار مناسبی برای پیشبرد سیاست‌های بین‌المللی کشور‌ها نیست و ادامه استفاده ازبازی از تحریم‌های اقتصادی می‌تواند جهان را به سمت دوقطبی‌شدن و دوران اولیه جنگ سرد بکشاند. تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در برخی موارد غیرعادلانه و ظالمانه است و در مجموع تحریم‌های بین‌المللی نمی‌تواند به نفع صلح و ثبات و جریان اقتصادی و تجاری آزاد دنیای امروز باشد.

برخی ناظران معتقدند مذاکرات کنونی هسته‌ای بیش از آنکه مذاکره ایران و ۵+۱ باشد، مذاکره ایران و آمریکا است و نقش سایر کشور‌ها در آن تزیینی است. افزایش نقش کشورهای اروپایی تا چه حد می‌تواند به تأمین منافع ملی ایران کمک کند؟

ما باید در این زمینه بیشتر کار کنیم. از یاد نبریم آمریکا در مذاکرات هسته‌ای سال‌های ۸۲ تا ۸۴ نیز فشار خود را وارد می‌کرد اما سه‌کشور اروپایی (آلمان، انگلیس و فرانسه) نقش تعدیل‌کننده داشتند. اکنون نیز باید تلاش کنیم آمریکایی‌ها در مذاکرات جاری تنها سهم خود را داشته باشند و اروپایی‌ها خود را از زیر فشار آمریکا بیرون بیاورند. من سعی می‌کنم به آلمانی‌ها ارزش‌های صلح‌خواهانه و نقش ایران در تأمین ثبات جهانی و نیز منافع رابطه اقتصادی – تجاری با ایران را متذکر شوم و یادآوری کنم ایران می‌تواند در آینده شرکت مطمئن تجاری برای آنها باشد.

اجلاس جاری مجمع عمومی سازمان ملل و سفر رئیس‌جمهوری به نیویورک، را تا چه حد در حل مساله هسته‌ای موثر می‌دانید؟

به‌نظر من در این مسایل نباید عجله کرد. این مسایل در مدت‌زمان کمی ایجاد نشده که انتظار داشته باشیم در مدت زمان کوتاهی حل‌وفصل شود. مذاکرات هسته‌ای بی‌شک زمان‌بر است و نباید منتظر یک نتیجه آنی و فوری باشیم. هرچیزی به اندازه وزن خودش می‌تواند موثر باشد و شخصی تاثیرگذاری مانند آقای روحانی می‌تواند با عملکرد خوب خود وزن تیم ایران را در مذاکرات افزایش دهد. به هر حال گفت‌وگو نیاز به زبان خاص دارد و اگر افراد ندانند که چه می‌گویند، می‌تواند تاثیر منفی عمیقی در مسایل مختلف در سطوح بین‌المللی داشته باشد.

ادامه از صفحه اول

حاشیه‌ای بر ۲ خاطره

۵- از صحبت‌های آقای مصباح برمی‌آید که ایشان برخلاف روش قریب‌به‌اتفاق روحانیون و اندیشمندان مبارز که وارد درگیری با دکترشریعتی و صالحی‌نخف‌آبادی که هر دو برای انقلاب اسلامی تلاش می‌کردند، نشدند، مساله اصلی را مبارزه‌دستگاه جبار پهلوی و آمریکای جهانخوار نمی‌دانسته، مساله اصلی را دکتر شریعتی، شهیدجاوید و… می‌دانسته است. کسانی که در جریان مسایل دهه‌های ۴۰ و ۵۰ه‌بوده‌اند، می‌دانند که در جبهه امام‌خمینی(ره)، هیچ‌کس به طور عینی به مخالفت با دکتر شریعتی و شهیدجاوید برخاست و اگر هم به آثار دکتر شریعتی و نویسنده شهیدجاوید انتقاد داشتند، وارد بازی‌ای که به ضرر مبارزه‌بود، نشدند، بنابراین اگر آقایان خامنه‌ای و هاشمی، آقای مصباح‌یزدی را منع کرده‌اند که پیگیر مساله شریعتی و شهیدجاوید باشند، از همراه مبارزه نبسودن وی خبر می‌دهد. اگرچه خود مصباح هم در گفت‌وگو با مرحوم عسکراولادی ادعا نکرده که آن گستاخ‌ها در حال مبارزه با استبداد و استعمار بوده است، ۶- واقعیت این است که در سال‌های اوج مبارزات ملت ایران علیه استبداد پهلوی و استعمار آمریکا و در شرایطی که علمای بزرگ زندان بودند و شهیدان بزرگوار، سسیدی و غفاری و بسیاری از جوانان مسلمان در زیر دشمنانه‌ترین شکنجه‌ها جان می‌باختند، آقای مصباح و یارانش در «موسسه در راه حق» با تهیه جزوات و ارسال آن به سراسر کشور، گویا کار فرهنگی می‌کردند.

۷- در سخنان آقای مصباح با عسکراولادی، ادعا شده که مقام‌عظوم‌هیری از اول تا آخر جلسه نشسته بودند و هیچ نمی‌گفتند. این حرف یعنی چه؟ یعنی آیت‌الله خامنه‌ای بدون هدف، آقای هاشمی را همراهی کرده‌اند؟ مگر می‌شود یک جلسه چندساعته‌بین سه‌نفر – و اگر در منزل آقای قدوسی بوده، بین چهار نفر– برگزار شود و یکی از آنان هیچ نگوید؟ آن هم کسی مانند آیت‌الله خامنه‌ای که در بیان نقطه‌نظرات خود، مهارت دارند. اگر ایشان در آن جلسه سکوت کرده باشند، به مفهوم این است که حرف‌های آقای مصباح‌یزدی در جهت توجیه عدم حضور در مبارزه را پذیرفته‌اند، اما می‌دانیم که آیت‌الله خامنه‌ای هرگز صحنه مبارزه با رژیم پهلوی را ترک نکردند و همیشه با انقلابیون در جبهه امام‌خمینی(ره) بودند. پس از رسانه‌ای‌شدن خاطره آقای هاشمی،فسخ‌جنابی از جلسه منزل شهید قدوسی، فردی بنام حمید روحانی، که خود

را مورخ انقلاب اسلامی معرفی می‌کرد، مصاحبه کرده و مدعی شده که آقای مصباح‌یزدی از ابتدا تا انتهای دوران مبارزه در صحنه انقلاب حضور داشته است: «امام‌خمینی(ره) به آیت‌الله مصباح‌یزدی که از شاگردان خوب ایشان بود، نگاه خاصی داشت. آیت‌الله مصباح از ارکان اصلی جامعه سرسبز بود و هستند و در تمام رخدادهای مبارزه نقش خود را به‌خوبی ایفا کردند و اینکه آقای هاشمی حرف دیگری می‌زند، اشتباه است… برخی اسناد مهم درباره سابقه مبارزاتی آیت‌الله مصباح را بنده در اختیار دارم که در صورت لزوم آن را ارایه خواهم داد. اسناد زیادی از سوابق وجود دارد که آقای مصباح حاضر در ادرايت و بصيرت خود عليه شاه مبارزه و امام را ياری می‌کرد. امضای آقای مصباح در ذیل اکثر بیانیه‌های علماعلیه شاه وجود دارد و این اسناد بر کسی پوشیده نیست (سایت جماران). ایشان که کتاب‌های زیادی درباره نهضت امام‌خمینی(ره) نوشته، باوجود ادعایش در میان اسامی ۱۸۹نفر از شاگردان امام‌خمینی(ره)، نامی از محدثتی مصباح‌یزدی قرار نداده است. (نهضت امام‌خمینی، ج اول)، فقط در ردیف ۱۲۷، نامی از محمد مصباح‌یزدی برده شده که نمی‌دانیم همین محدثتی مصباح‌یزدی است یا فرد دیگری؟ وانگهی در میان اسامی علمای مجاهد و مبارزی که در سال ۱۳۴۹ به‌تایید در جمعیت عامه امام‌خمینی(ره)، اعلامیه صادر کردند، از مصباح‌یزدی هیچ خبری نیست (همان)، اما در بین اسامی افراد زیادی که از سراسر کشور اطلاعیه‌های دسته‌جمعی علیه رژیم پهلوی و به‌نفع امام‌خمینی می‌دادند، بعضا نام محمدمتقی مصباح‌یزدی در اعلامیه‌های علما و فضلاء قم دیده می‌شود. بیانیه‌های اعلامیه‌ای که حتی بیش از ۵۰۰شان از علما، فضلا و طلاب زیر آن درج شده است، یادآوری می‌شود که اینگونه بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های با نام، فقط در سال‌های آغاز نهضت امام‌خمینی نوشته و امضا می‌شده و در سال‌های نیمه دوم دهه ۴۰ به بعد انثری از این اعلامیه‌های دسته‌منتشع وجود ندارد چراکه از آغاز سال ۴۵ به بعد، دستگیری‌ها، زندان‌ها، شکنجه‌ها و تبعیدها زیاد شده بود. آقای حمید روحانی در جلد اول نهضت امام‌خمینی، نوشته است: «برخی از مقامات روحانی با آنکه در آن روز، موافق رات و روش ایشان (امام‌خمنینی) نبودند، هیچ‌گاه جرات مخالفت با راه ایشان را نداشتند – و ندارند – و بسیاری خود را ناچار می‌دیدند که ایشان را تایید کنند، با ایشان همراهی نمایند، نفوذ و محبوبیت بی‌حد ایشان در میان توده‌ها موجب شده بود که دیگران با همراهی و تایید ایشان برای خود «وجه» و محبوبیت کسب کنند و در کارهایی که انجام می‌دهند از گزند و اعتراض مردم در امان باشند، (همان – ص ۲۵۶) در پایان این یادداشت، از آقای حمید روحانی، می‌پرسم، به این امید که وی، آن را مستندا جواب دهد. چرا وقتی در اوج به خاک‌وخون کشیدن مردم توسط رژیم سفاک پهلوی، امام‌خمینی(ره) مردم را از برگزاری جشن‌های نیمه‌شعبان منع کردند، برخی در قم جشن گرفتند؟

سیاست